

نگاهی گذرا به واژه وراء در قرآن

زهره سبحانی^۱

چکیده

با توجه به این که قرآن کتاب هدایت بشر و معجزه‌ای از جانب خداوند مهربان است، تک تک آیات و الفاظ آن دارای ویژگی‌های منحصر به فردی است که با بررسی و تدبر در آن می‌توان به ویژگی خاص آن دست یافت که این تحقیق در نظر دارد این مهم را در مورد لفظ وراء بررسی نماید.

این تحقیق در بخش‌های معنای لغوی، جایگاه نحوی، روابط جانشینی و همنشینی و بلاغی لفظ وراء تهیه شده است. وراء ظرف مکان و دائم الاضافه و از اضداد است، در معنی پس و پیش که با کلمات همنشین خود می‌تواند حامل کنایه، تضاد، تمثیل و حتی معنی غیر قابل پیش‌بینی چون فرزند فرزند باشد. کلید واژه: وراء، ظرف، خلف، بلاغت، قرآن.

۱- مقدمه

درک صحیح و فهم مفاهیم کتاب هدایت بشر امکان‌پذیر نیست مگر با آشنایی الفاظ و جملات آن در راستای فهم عمیق‌تر الفاظ قرآنی بر آن شدیم تا حروف و ظروف کاربردی در قرآن کریم که مورد غفلت قرار گرفته و کمتر بر روی آن‌ها تحقیقی صورت گرفته است را مورد واکاوی قرار دهیم که پژوهش مزبور به یکی از ظروف قرآنی (وراء) می‌پردازد.

این تحقیق به صورت کتابخانه‌ای خواهد بود، تا همه افراد و خصوصاً طلاب که در پی یافتن واقعیت‌های نهفته در کتاب الهی هستند بتوانند از آن استفاده کنند. در این جریان به بررسی معنای لغوی وراء با توجه به منابع

^۱ طلبه سطح ۳ مرکز تخصصی ام‌الائمہ (سلام الله علیها)

دست اول، وراء در منابع و کتب نحوی، رابطه جانشینی‌ای که با واژه خلف دارد، همنشینی وراء با اسماء اشاره، ضمائر و سایر اسم‌ها و وراء در بلاغت که با تأمل در تفاسیر بوده است، خواهیم پرداخت. با توجه به وجود ترجمه‌های بسیار زیاد و تفاوت آن‌ها با یکدیگر بحثی تحت عنوان مقایسه ترجمه‌ها در خاتمه آورده‌ایم.

۲- معنی لغوی وراء

هر واژه‌ای که در تعامل و روابط بین انسان‌ها به کار می‌رود منتقل کننده بار معنایی خاص است که در برقراری رابطه بهتر، افراد بشر را یاری می‌نماید، و از آن جا که واکاوی ریشه‌ای هر کلمه در یافتن مقصود گوینده مفید و موثر است، خصوصاً اگر گوینده، حکیمی باشد که بسیار دقیق و عمیق است، فهم درست از واژه‌ها و الفاظ ما را به هدف خواهد رساند؛ در نتیجه با معنی لغوی بحث را آغاز خواهیم کرد.

۱-۲- کلمه وراء در قرآن در سه معنی به کار رفته است؛ ۱) خلف: پشت سر: (إِنَّ الَّذِينَ يُنَادُونَكَ مِنْ وَرَاءِ الْحُجُرَاتِ) (حجرات ۴) ۲) امام: روبرو (وَكَانَ وَرَاءَهُمْ مَلِكٌ يَأْخُذُ كُلَّ سَفِينَةٍ غَصْبًا) (کهف ۷۹) ۳) سوی: استثناء: (فَمَنْ ابْتَغَى وَرَاءَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْعَادُونَ) (معارج ۳۱) (شبكة منتديات الوطن الموريتانية)

سیوطی این معانی را چهار عدد ذکر کرده است؛ ۱) امام: (أَمَّا السَّفِينَةُ فَكَانَتْ لِمَسَاكِينَ يَعْمَلُونَ فِي الْبَحْرِ فَأَرَدْتُ أَنْ أَعِيبَهَا وَكَانَ وَرَاءَهُمْ مَلِكٌ يَأْخُذُ كُلَّ سَفِينَةٍ غَصْبًا) (کهف ۷۹) کلمه وراء هم این جا به معنی روبرو است برای این که این ظالم درصدد بودند برای کشتی‌ای که بر او می‌گذرد. ۲) خلف: (وَإِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ لَتُبَيِّنُنَّهُ لِلنَّاسِ وَلَا تَكْتُمُونَهُ فَنَبَذُوهُ وَرَاءَ ظُهُورِهِمْ) (آل عمران ۱۸۷) ۳) بعد (فَبَشَّرْنَاهَا بِإِسْحَاقَ وَمِنْ وَرَاءِ إِسْحَاقَ يَعْقُوبَ) (هود ۷۱) ۴) غیر: (وَالَّذِينَ هُمْ لِغُرُوبِهِمْ حَافِظُونَ * إِلَّا عَلَى أَزْوَاجِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ * فَمَنْ ابْتَغَى وَرَاءَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْعَادُونَ) (۵-۷ مؤمنون) (سیوطی (الإتقان فی علوم القرآن)

کلمه وراء از ماده موارات و توارى بوده، و به معنى پوشيده بودن و پنهان شدن مطلق است، و از همين معنى باشد کلمه توريه در مقام سخن گفتن که به قصد پوشانيدن مطلب صورت مى گيرد. پس وراء به معنى چيزيست که خارج و پوشيده و از حضور و نظر پنهان و مستور باشد، و آن اعم است از آنکه در پشت يا در مقابل قرار گيرد. و مفهوم آن به نسبت طرف مقابل فرق مى کند. گفته مى شود: وراى عالم دنيا، وراى مطالب معين، وراى افراد معلوم، وراى اين زمان يا آن مکان. (مصطفوى، ۱۳۸۰ش، ج ۲: ص ۱۵)

۲-۲- وراء به معنى پس و پيش آمده است (امام و خلف) و در هر دو به کار مى رود چنان که راغب (مفردات ألفاظ القرآن؛ ۸۶۶) و ديگران تصريح کرده اند، و در اقرب الموارد گویند: آن از اضداد است و در کتب اضداد اين لفظ را دال بر خلف و امام هر دو، دانسته اند. (منجد، ۱۹۹۹، ص ۲۱۳)

۲-۲-۱- وراء در معنى پس و پيش: طبرسى معنای اصلی وراء را «پس» مى داند که در جلو و پيش بطور اتساع به کار رفته است. فيومى در مصباح مى گوید: وراء کلمه ايست مؤنث به معنى زمان بعد و زمان قبل و اکثر در اوقات به کار رود زيرا وقت پس از انسان مى آيد و در وراء انسان واقع شود و اگر انسان آنرا درک کند در پيش انسان واقع گردد، استعمال آن در اماکن جايز است و در قرآن آمده (وَ كَانَ وَرَاءَهُمْ مَلِكٌ) (كهف: ۷۹) يعنى پيش از آنها پادشاهى بود. (فيومى، (بى تا)، ج ۲: ص ۶۵۶ و قرشى، ۱۳۷۱، ج ۷: ص ۲۰۴)

وراء: وراء و الوراق، همگى به معنى پشت، پشت سر (خلف و قدام) است، (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱: ص ۱۹۴) و مصغر آن در نظر سيبويه "وَرِيَّةٌ" است که همزه آن اصلی و غير منقلب از ياء است. ابن برى: به تحقيق جوهرى ذکر کرده آنرا در معتلات و همزه آن را منقلب از ياء قرار داده است. (واسطى، زبيدى، حنفى، حسینی، ۱۴۱۴، ج ۱: صص ۲۷۴ و ۲۷۵) گفته اين عقیده کوفيون است، و مصغر آن در نظر کوفيون "وَرِيَّةٌ" بدون همزه است.

ثعلب: الوراق = الخلف، ولى هنگامى که از چيزهاى باشه که از آن گذر مى شود (مرور مى شود) بر آن پس آن به معنى قدام است. و همچنين حکايت کرده اند وراء را به صورت "الوراق" با «ألف و اللام». در قرآن «مِنْ وَرَائِهِ جَهَنَّمُ» يعنى بين دوستان او. (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱: ص ۱۹۴) و زجاج: وراء برای خلف و قدام مى باشد،

(قرشی، ۱۳۶۱، ج ۲: ص ۲۸۴) و معنای آن؛ چیزی است که پنهان و پوشیده از تو است یعنی آنچه که پوشاند [معنی باب افتعال مطاوعه است: پوشید پس پوشانده شد.] از تو است. این از اضداد نیست همان گونه که بعضی از اهل لغت گمان کرده‌اند. (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱: ص ۱۹۴) با توجه با آیات قرآن معنی تضاد از لفظ وراء فهمیده می‌شود.

۲-۲-۲- (فَبَشِّرْهُنَّ بِإِسْحَاقَ وَمِنْ وَرَاءِ إِسْحَاقَ يَعْقُوبَ) (هود، ۷۱) و قيل الورااء: ولد الولد: بچه بچه (نوه) منظور

است، که وراء استعاره از فرزند فرزند استعمال شده است. (قرشی، ۱۳۶۱، ج ۷: ص ۲۰۴ و فراهیدی، ۱۴۱۰، ج ۸: ص ۲۹۹ و...)

۲-۳- اصل کلمه وراء

۲-۳-۱- برای همزه وراء دو قول وجود دارد: ۱) در اصل کلمه بوده است. ۲) همزه منقلب "ياء" است ولی

جایز نیست منقلب "واو" باشد، چون وقتی فاء الفعل واو است لام الفعل واو نخواهد بود مگر ندرتاً. در ضمن وراء را اسم ممدود می‌دانند که یک بار آنرا به معنی رو برو (قُدام) و یک بار خلاف آن آورده است، (صاحب بن عباد، کافی الکفاء، اسماعیل بن عباد، ۱۴۱۴، ج ۱۰: ص ۲۹۳). و در العین در حالی که آن را اسم ممدود می‌داند آن را بر خلاف قُدام می‌داند. (فراهیدی، ۱۴۱۰، ج ۸: ص ۳۰۰)

۲-۳-۲- وراء در اصل مصدر است که آن را به عنوان ظرف قرار داده‌اند، گاهی آن را به فاعل اضافه می‌کنند و از آن ما یتواری به قصد می‌کنند و آن خلفست و گاهی آن را به مفعول اضافه می‌کنند و از آن ما یواریه می‌خواهند که آن قدام است و بدین جهت آن را از اضداد شمرده‌اند و در آیه (وَيَكْفُرُونَ بِمَا وَرَاءَهُ) مراد اولی است یعنی نمی‌گروند به آنچه در خلف ایشان است و عقب ایشان است. (کاشانی، ۱۳۳۶، ج ۱: ص ۲۳۵)

۳- وراء در علم نحو

ادبیات و دستور زبان و آیین نگارش هر گفتار و نوشتاری را توجه نماییم به سبک خاص و قواعد ویژه‌ای برخوردار خواهیم کرد که تأثیر بسزایی در انتقال پیام آن زبان ایفا می‌نماید، در زبان عربی به این قواعد، در علم نحو پرداخته می‌شود که ما در این بخش به قواعدی که لفظ وراء از آن متأثر است می‌پردازیم.

۱-۳- اسم‌ها وقتی اضافه به اسم دیگری می‌شوند؛ اقسامی متفاوتی می‌یابند، از جمله: (۱) آنچه که اضافه در آن لازم است و به صورت مفرد استعمال نمی‌شود و این‌ها ظروف؛ عند، لدی، لدن، بین، وسط، دون، مع، سوی، إذ، إذا، حیث، حده، حذاء، تجاه و تلقاء و غیر ظروف چون مثل، شبه، غیر، بید، قید، قدا، قاب، قیس (مقدار شیء)، آی، کل، بعض، کلا، کلتا، ذو، اولو، قد، قط و حسب؛ هستند که جهات سته (فوق، تحت، یمین، شمال، امام، قدام، خلف، وراء) را شامل می‌شوند. (۲) آن اسم‌هایی که اصلاً اضافه نمی‌شود مثل مذ و منذ وقتی پهلوی آن فعل یا مرفوع یا مضمَر یا اسماء اشاره یا موصولات به غیر از آی و اسماء فعل و کم و کاین باشد. (۳) آنچه مفرد و مضاف واقع می‌شود و این غالب اسماء است. (سیوطی، ۱۴۰۶، ج ۱: ص ۱۹۱)

آن چیزهایی که با اضافه ملازم می‌گردند بر دو نوع‌اند، که یک نوع آن ملازم به مفرد هستند و نوع دیگر ملازم با جمله هستند. که نوع ملازم با مفرد یا قطع شدن آن از اضافه جایز نیست، و نوع دیگر قطع شدن آن از اضافه فقط در لفظ نه در معنی جایز نیست. نوع اول مانند: عند، لدی، لدن، بین، وسط، کلا، کلتا، و... نوع دوم مانند: اول، دون، فوق، تحت، یمین، شمال، امام، قدام، خلف، وراء، قبل و بعد و... (الغلابینی، ۱۴۳۱، ص ۵۲۵ و ۵۲۶). لفظ وراء جایز نیست در لفظ (نه در معنی) از اضافه شدن به اسم دیگر قطع شود.

۲-۳- ظروفی که بر مکان دلالت دارند دو نوع‌اند: (۱) ظروف مبهم (صورت و حدود آن نامشخص است) مثل: امام، خلف، قدام، وراء، فوق، تحت، عند، مع، إزاء، هُنا، ثَمَّ و هر آنچه که شبیه این‌ها است که بنا بر مفعول فیه بودن منصوب خواهند بود. (۲) ظروف مختص (صورت و حدود آن مشخص است) مثل: الدار، البيت، المسجد که معرب‌اند و به حسب موقعیت و جایگاه‌شان اعراب می‌گیرند. (حاشیه‌الآجرومیة للشیخ: عبد الله العثماوی الأزهري بر کتاب حفیده بنی عامر) (www.drmosad.com موسوعه النحو الاعراب) وراء ظرفی مبهم است که بر حدود نا مشخص دلالت دارد.

استفاده کرده‌اند اما لفظ خلف را در معنی وراء و در جایگاه آن استعمال نکرده‌اند. اما با نظر عمیق در کلماتی که در قرآن کریم به کار رفته است می‌توان به این مورد دست یافت که هر لفظی در جایگاه خود بهترین و مناسب‌ترین لفظ است و بار معنایی خاص خود را دارد که هیچ لفظ دیگری نمی‌تواند رسالت آن لفظ را ایفا نماید.

* قرآن کریم

- (۱) ابن منظور، محمد بن مکرم، (۱۴۱۴) لسان العرب، دار صادر، بیروت.
- (۲) اصفهانی، حسین بن محمد راغب، (۱۴۱۲) مفردات ألفاظ القرآن، دار العلم - الدار الشامیة، لبنان - سوریه.
- (۳) اندلسی، ابو حیان محمد بن یوسف، (۱۴۲۰) البحر المحيط فی التفسیر، بیروت.
- (۴) ایزوتسو، توشی هیکو. (۱۳۶۰). ساختمان مفاهیم اخلاقی - دینی در قرآن. ترجمه فریدون بدره ای، تهران، قلم.
- (۵) بلاغی نجفی، محمد جواد، (۱۴۲۰) آلاء الرحمن فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، قم.
- (۶) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح (۱۴۱۰) تاج اللغة و صحاح العربیة، دار العلم للملایین، بیروت.
- (۷) حسینی شاه عبدالعظیمی، حسین بن احمد، (۱۳۶۳) تفسیر اثنا عشری، انتشارات میقات، تهران.
- (۸) حسینی همدانی؛ سید محمد حسین، (۱۴۰۴) انوار درخشان، تهران، انتشارات کتابفروشی لطفی.
- (۹) حمیری، نشوان بن سعید، (۱۴۲۰) شمس العلوم و دواء کلام العرب من الکلوم، دار الفکر المعاصر، بیروت.
- (۱۰) خانی رضا، حشمت الله ریاضی، (۱۳۷۲) ترجمه بیان السعادة فی مقامات العبادة، دانشگاه پیام نور، تهران.
- (۱۱) زمخشری، محمود، (۱۴۰۷) الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، دار الکتاب العربی، بیروت.
- (۱۲) سبزواری نجفی محمد بن حبیب الله، (۱۴۱۹) ارشاد الاذهان الی تفسیر القرآن، دار التعارف للمطبوعات، بیروت.
- (۱۳) سیوطی، جلال الدین، (۱۴۰۶) اشباه ونظائر فی النحو، الرساله، بیروت.
- (۱۴) صافی محمود بن عبد الرحیم، (۱۴۱۸) الجدول فی اعراب القرآن، دار الرشید مؤسسه الایمان، دمشق - بیروت.
- (۱۵) صاحب بن عباد، کافی الکفاء، اسماعیل بن عباد، (۱۴۱۴) المحيط فی اللغة، ۱۰ جلد، عالم الکتاب، بیروت.
- (۱۶) صادقی تهرانی، محمد، (۱۴۱۹) البلاغ فی تفسیر القرآن بالقرآن، بی نا، قم.
- (۱۷) صفوی، کورش. (۱۳۸۳) درآمدی بر معنی شناسی، سوره مهر (حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی) تهران.

- (۱۸) طباطبایی، سید محمد حسین، (۱۳۷۴) ترجمه تفسیر المیزان، مترجم موسوی همدانی سید محمد باقر، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ پنجم.
- (۱۹) طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۷۷) ترجمه تفسیر جوامع الجامع، گروه مترجمان، بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، مشهد.
- (۲۰) طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت، انتشارات دار احیاء التراث العربی، بی‌تا.
- (۲۱) فراهیدی، خلیل بن احمد، (۱۴۱۰) کتاب العین، انتشارات هجرت، قم.
- (۲۲) کاشانی فتح الله، (۱۳۳۶) تفسیر منهج الصادقین فی الزام المخالفین، ناشر کتابفروشی محمد حسن علمی، تهران.
- (۲۳) فضل الله سید محمد حسین، (۱۴۱۹) تفسیر من وحی القرآن، دار الملائک للطباعة و النشر، بیروت.
- (۲۴) فیض کاشانی ملا محسن، (۱۴۱۸) الأصفی فی تفسیر القرآن، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، قم.
- (۲۵) فیومی، احمد بن محمد مقرئ، (بی‌تا) المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی، منشورات دارالرضی، قم.
- (۲۶) قرشی، سید علی اکبر، (۱۳۷۷) تفسیر احسن الحدیث، بنیاد بعثت، تهران.
- (۲۷) قرشی، سید علی اکبر، (۱۳۷۱) قاموس قرآن، دار الکتب الإسلامیه، تهران.
- (۲۸) الغلابینی، شیخ مصطفی، (۱۴۳۱) جامع دروس عربیه، الامیره، بیروت.
- (۲۹) واسطی، زبیدی، حنفی، محب الدین، سید محمد مرتضی حسینی، (۱۴۱۴) تاج العروس من جواهر القاموس، دار الفكر للطباعة و النشر و التوزیع، بیروت - لبنان.
- (۳۰) معرفت، محمد هادی، (۱۳۹۱) تلخیص التمهید، موسسه التمهید، قم.
- (۳۱) مغنیه محمد، جواد، (۱۴۲۴) تفسیر الکاشف، دار الکتب الإسلامیه، تهران.
- (۳۲) مکارم شیرازی، ناصر، (۱۴۲۱) الامثل فی تفسیر کتاب الله المنزل، مدرسه امام علی بن ابی طالب، قم.
- (۳۳) مکارم شیرازی؛ ناصر، (۱۳۷۴) تفسیر نمونه، تهران، دار الکتب الإسلامیه.
- (۳۴) منجد، محمد نورالدین. (۱۹۹۹م). التضاد فی القرآن الکریم بین النظریه و التطبيق. دمشق: دار الفكر.

کتاب شناسی

- ۱- ابن حاجب، (۱۴۲۵) الايضاح على شرح المفصل، بی جا، انتشارات دار سعد الدين.
- ۲- ابن عطيه اندلسی، عبدالحق بن غالب، (۱۴۲۲) المحرر الوجيز فی تفسير الكتاب العزيز، دارالکتب العلميه، بيروت.
- ۳- ابو الحسين، احمد بن فارس بن زکریا، (۱۴۰۴) معجم مقائيس اللغة، انتشارات دفتر تبليغات اسلامي حوزه علميه قم، قم - ايران.
- ۴- امين، نصرت، (۱۳۶۱) مخزن العرفان در تفسير قرآن، تهران، ناشر: نهضت زنان مسلمان.
- ۵- بحرانی سيد هاشم، (۱۴۱۶) البرهان فی تفسير القرآن، بنياد بعثت، تهران.
- ۶- سيد کریمی، حسینی سيد عباس، (۱۳۸۲) تفسير عليين، انتشارات اسوه، قم.
- ۷- طبرسی؛ فضل بن حسن، (۱۳۶۰) ترجمه مجمع البيان فی تفسير القرآن، مترجمان، انتشارات فراهانی.
- ۸- طيب سيد عبد الحسين، (۱۳۷۸) اطيب البيان فی تفسير القرآن، انتشارات اسلام، تهران.
- ۹- مصطفوی، حسن، (۱۳۸۰) تفسير روشن، تهران، مرکز نشر کتاب.
- ۱۰- ميرزا خسروانی علی رضا، تفسير خسروی، تهران، انتشارات اسلاميه، بی تا.
- ۱۱- نجفی خمینی، محمد جواد، (۱۳۹۸) تفسير آسان، تهران، انتشارات اسلاميه.
- ۱۲- فضل الله، سيد محمد حسين، (۱۴۱۹) تفسير من وحی القرآن، دار الملائک للطباعه و النشر، بيروت.
- ۱۳- کرمی حویزی، محمد، (۱۴۰۲) التفسير لكتاب الله المنير، چاپخانه علميه، قم.
- ۱۴- مغنيه، محمد جواد، التفسير المبين، بنياد بعثت، قم، بی تا.
- ۱۵- شرح المقرب لابن عصفور الاشيلي اندلسی.

